



بازتاب مفاهیم اصلی توسعه در رسانه‌های جانشین روایت نیم قرن مدرنیزاسیون در رمان‌های شاخص فارسی (۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰)

هادی خانیکی^۱، آزاده خادم خروی^۲، مسعود تقی‌آبادی^۳

چکیده

بررسی روایت مدرنیزاسیون در رمان‌های شاخص فارسی، پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای علوم ارتباطات و ادبیات داستانی است. در این پژوهش، رمان شاخص به‌مثابه رسانه جایگزینی در نظر گرفته شده است که می‌تواند با بیان روایت‌های خاصی، بازگوکننده شرایط روز جامعه در هر دورانی باشد. آنچه در این مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرد، بازتاب گفتمان مدرنیزاسیون در رمان‌های شاخص ۵ دهه (۱۳۴۰-۱۳۸۰) است. این پژوهش در پی اثبات و تبیین کارکردهای رسانه‌ای رمان در بیان مفاهیم مدرنیزاسیون است. به‌منظور پردازش این موضوع، رمان‌های شاخص ۵ دهه، براساس نمونه‌گیری «مورد مشهور» و نظرسنجی از صاحب‌نظران، منتقدان، نویسندگان و هم‌چنین روزنامه‌نگاران حوزه ادبی انتخاب شد. تحلیل روایت نیز روش این پژوهش است که براساس دیدگاه روایت‌شده رویکرد روایت‌شناسی جرالد پرنس که از نظریه‌پردازان ساختارگراست، انجام شده است. بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق، مدرنیزاسیون که براساس نظریه‌های توسعه، در گستره وسیعی از بافت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و حتی روان‌شناختی قابل بررسی است، در رویدادهای روایت‌شده رمان‌های منتخب قابل مشاهده است؛ روایت‌های این رمان‌ها با شرایط روز هر دوره هم‌خوان است. همچنین توسعه سیاسی، نقد سیاسی و نقد دولتمردان، عقلانیت سیاسی-اجتماعی، مذهب، مهاجرت، شکاف طبقاتی و زنان مفاهیمی هستند که در تمام این رمان‌ها وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، مدرنیزاسیون و ادبیات، رسانه جانشین، رمان شاخص، تحلیل روایت

۱. استاد علوم ارتباطات، گروه علوم ارتباطات دانشگاه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. hadi.khaniki@gmail.com
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم ارتباطات دانشگاه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. azadekhadem@yahoo.com
۳. دانش‌آموخته دکترای علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، گروه علوم ارتباطات دانشگاه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). masoud.taghiabadi@gmail.com

ارجاع به این مقاله:

هادی خانیکی؛ آزاده خادم خروی؛ مسعود تقی‌آبادی. "بازتاب مفاهیم اصلی توسعه در رسانه‌های جانشین روایت نیم قرن مدرنیزاسیون در رمان‌های شاخص فارسی (۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰)". مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، ۱۳، ۶۶-۴۹، ۱۴۰۲. doi: 10.22077/islsh.2023.5916.1195



مقدمه

رسانه، امروزه یکی از مهم‌ترین ارکان قدرت در جوامع تلقی می‌شود. آنان که رسانه را در اختیار دارند از توانایی بیشتری برای گسترش و نفوذ ایدئولوژی خود در سطوح مختلف جامعه برخوردار هستند. رسانه از یک سو منعکس‌کننده ایدئولوژی حاکم است و از سوی دیگر با انعکاس این ایدئولوژی، به تشدید آن در جامعه می‌پردازد.

اگرچه ما امروز با تنوع و تکثر وسایل ارتباط جمعی مواجه هستیم؛ اما این وسایل محدود به رسانه‌های نوین ارتباطی نمی‌شود؛ چراکه رسانه در مفهوم ارتباطی خود؛ یعنی وسیله انتقال پیام، عمری به‌درازای عمر بشریت دارد. اولین نقطه عطف در تغییر و تحول وسایل ارتباطی در حال رشد، در عصر گوتنبرگ^۱ با اختراع صنعت چاپ رخ می‌دهد. از این زمان است که علاوه بر محتوا، خود وسیله ارتباطی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و کتاب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال ارتباطی پا به عرصه ظهور می‌گذارد. در این دوران کتاب با درون‌مایه‌های مختلفی مانند سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی برای تسلط بر افکار عمومی از سوی کلیسا و طبقه حاکم به کار می‌رود و این کارکرد آن تا قرن‌های میدیدی هم‌چنان پابرجاست. با ظهور وسایل نوین ارتباطی، این رسانه مکتوب از بین نمی‌رود؛ بلکه همگام با تغییر و تحولات شرایط حاکم بر جوامع توسعه‌یافته یا در حال توسعه، کارکرد آن نیز تغییر می‌یابد. «رمان» که یکی از مهم‌ترین و محبوب‌ترین اشکال ظهوریافته کتاب در روزگاران مختلف است، ظرفیت انتقال پیام‌هایی با مضامین مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را به‌گونه‌ای هنرمندانه و نامحسوس و گاه محسوس دارد. رمان به‌مثابه رسانه از دیرباز بازگوکننده سیر تحولی گفتمان‌های متعدد در جوامع بوده است. طلایه‌داران این ژانر ادبی، هدف نهایی آن را یکپارچه‌سازی هویت و همذات‌پنداری خواننده با شخصیت‌های داستانی به‌منظور تغییر تدریجی در تفکر و رفتار آنان دانسته‌اند (هلپرین ۱۳۸۶: ۵۷).

یکی از مهم‌ترین تحولات گفتمانی دوره پهلوی که در ادبیات داستانی این دوره و بعد از آن تجلی می‌یابد، گفتمان مدرنیزاسیون و نوسازی جامعه است. این گفتمان، سیاست مدرنیزاسیون؛ یعنی ایجاد نهادها و رفتارهای جدید را به انجام می‌رساند؛ به‌گونه‌ای که همه افکار به سمت نوسازی جامعه معطوف و تلاش‌های زیادی صرف صنعتی‌کردن و قبول آداب و رسوم اروپایی می‌شود (بهنام ۱۳۸۲: ۴۲). در ادامه برای تحقق این امر از تمامی امکانات و وسایل ارتباطی استفاده شده و رهبران افکار عمومی به شیوه‌های مختلف در این مسیر گام برمی‌دارند. اگرچه تلویزیون و رادیو

نقش خاصی ایفا می‌کنند؛ اما رسانه‌های چاپی مانند کتاب نیز جایگاه ویژه‌ای دارند و به‌عنوان رسانه‌ای دارای ظرفیت انتقال و ماندگاری پیام، منعکس‌کننده و تا حدودی مروج این نوآوری‌ها در میان طبقات خاص کتاب‌خوان می‌شوند. به‌طور کلی، این رسانه به‌عنوان حامل اطلاعات و آگاهی، نقش بسزایی در پیدایش دانش و فرهنگ‌های جدید داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت رمان تأثیرگذار هر دوره، رسانه‌ای ماندگار است که قرن‌ها می‌تواند افزون بر جنبه سرگرمی خود، هم آگاهی‌دهنده و هم نشان‌دهنده تاریخ یک ملت باشد. با این اوصاف بررسی مفاهیم توسعه در رمان‌های تأثیرگذار و شناخت تحولات کارکردی آن در جامعه ایران مستلزم مطالعه تطبیقی در دو دوره متفاوت یک سده در کشور است. انقلاب ۱۳۵۷ ایران سرآغازی در تحولات اجتماعی است و تغییر رویکردهای رسانه‌ای رمان در قبل و بعد از انقلاب را می‌توان به این امر نسبت داد که قبل از انقلاب اسلامی اکثر نویسندگان به احزاب خاصی گرایش داشتند و در خدمت انتقال و همگانی کردن افکار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حزب خود بودند؛ اما بعد از انقلاب نویسندگان از حزب جدا و در قالب خود نمایان می‌شوند و به‌عبارتی دغدغه‌های آنان فردگرایانه‌تر می‌شود.

اهداف تحقیق

با توجه به مطالب بالا، اثبات و تبیین کارکردهای رسانه‌ای رمان‌های تأثیرگذار قبل و بعد از انقلاب در بیان مفاهیم مدرنیزاسیون، مهم‌ترین هدف این پژوهش است. درواقع آشنایی با کارکردهای رمان به‌منزله یک رسانه جانشین و ظرفیت‌های آن در بیان مفاهیم رایج و در حال وقوع جامعه، نقطه عطفی است که خوانش روایت‌شناختی از رمان‌ها و محتوای آن‌ها را مهم می‌کند؛ از این‌رو هدف دیگر این تحقیق فهم ژرف بازتاب مفاهیم مدرنیزاسیون در اندیشه نویسندگان هر دهه است تا سیر تطوری این گفتمان کشف شود.

اهمیت و محدوده پژوهش

اهمیت این تحقیق در رابطه بینارشته‌ای آن، در تلاقی جامعه‌شناسی ادبیات و مسئله ارتباطات توسعه شکل می‌گیرد. بر این مبنا در دوره‌های مختلف، رمان به‌مثابه یک رسانه جانشین، ابزاری برای بیان اندیشه‌های نویسندگان و بیان مسائل موجود در جامعه در لوای رمان و داستان است. به همین دلیل فهم ژرف از محتوای رمان‌های شاخص هر دوره می‌تواند ابزاری برای شناخت فرهنگ و جامعه آن دوره باشد. مبحث توسعه ایران هم که با مدرنیزاسیون، شکل جدیدی به خود گرفته است مسئله‌ای است که رد پای آن را در رمان‌ها می‌توان یافت؛ به این علت که رمان‌ها

چون خارج از حیطهٔ رسانه‌های ایدئولوژیک قرار می‌گیرند و مسئلهٔ ایدئولوژی و گفتمان قدرت در آن‌ها کمتر برجسته است، نیل به فحوای آن‌ها حاکی از رخنه به دل اندیشه‌های آن عصر است؛ از این‌رو بهره‌گیری از اندیشه‌های جامعه‌شناسی، ارتباطات توسعه و رویکردهای روایی شناخت رمان می‌تواند به این منظور یاری‌رسان باشد و انجام این قبیل پژوهش‌ها به ابعادی جدید از شناخت عمیق‌تر یک پدیده یاری می‌رساند.

پرسش‌های تحقیق

- پرسش‌هایی که این تحقیق در پی پاسخ‌دادن است عبارت‌اند از:
۱. آیا رمان واجد ویژگی‌ها و کارکردهای رسانه است؟
 ۲. آیا گفتمان نوسازی و مدرنیزاسیون در رمان‌های شاخص تحقیق پیش‌رو بازتاب داشته است؟
 ۳. سیر تطور روایت مدرنیزاسیون در رمان‌های قبل از بهمن ۵۷ و بعد از آن چگونه بوده است؟
 ۴. آیا رمان در ایران به مفاهیم توسعه مدرنیزاسیون می‌پردازد؟
 ۵. آیا رمان‌ها متناسب با شرایط اجتماعی به مفاهیم توسعه می‌پردازند؟

پیشینه انتقادی تحقیق

درباب پرداختن به مسئلهٔ میان‌رشته‌ای رسانه و ادبیات و تلاقی آن با مفاهیم جامعه‌شناسی و ارتباطاتی همچون مدرنیزاسیون، تحقیقاتی به نسبت اندک صورت پذیرفته است و تنها چند پژوهش دارای مقاربت‌هایی از حیث محتوایی با این پژوهش بوده‌اند که عبارت‌اند از:

«رمان به‌مثابهٔ رسانه: گونه‌شناسی رمان‌های تأثیرگذار بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا بهمن ۵۷» اثر هادیلو (۱۳۹۰) عنوان پایان‌نامه‌ای است که به تفسیر کارکردهای رسانه‌ای رمان و میزان نفوذ آن در شبکه‌های اجتماعی رمان‌خوان می‌پردازد. نویسنده بر این باور است که رمان به‌عنوان متنی که در آن به‌ناگزیر، ردپای ایدئولوژی به چشم می‌خورد، نه‌تنها متأثر از شرایط اجتماعی است؛ بلکه تفسیری از آن نیز به دست می‌دهد. بر مبنای نتایج این تحقیق، رمان به‌مثابهٔ رسانه‌ی جانشینی است که اندیشه‌های پیشروترین قشرهای طبقه متوسط ایران را دربارهٔ قانون، ترقی صنایع، اصلاحات دینی و فرهنگی مطرح می‌کند

حسین پاینده (۱۳۸۸) در مقالهٔ «رمان رئالیستی یا سند اجتماعی؟ نگاهی به مدیر مدرسه آل‌احمد» به نقد رئالیسم در رمان مدیر مدرسه آل‌احمد می‌پردازد. از دیدگاه

پاینده، سبک رئالیسم که صرفاً بازتاب‌دهنده واقعیت‌هاست. بدون اینکه نویسنده رمان دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی خود را آشکارا در آن بیان کند. در رمان آل‌احمد رعایت نشده است. او با بررسی برخی از عناصر داستانی به این نتیجه رسیده است که آل‌احمد از رئالیسم تخطی کرده و بخش‌های زیادی از مدیر مدرسه او صبغه‌ای تصنعی و حتی شعارگونه دارد.

موضوع اصلی مقاله «تحلیل تقابل سنت و مدرنیته در رمان اجتماعی پس از انقلاب اسلامی» از عاملی رضایی (۱۳۹۱)، تحلیل تقابل سنت و مدرنیته در رمان‌های اجتماعی دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ است. نویسنده ضمن اینکه رمان اجتماعی را عرصه‌ای مناسب برای بازنمایی و بازآفرینی واقعیت اجتماعی در آینه ادبیات می‌داند، نشان می‌دهد که در رمان‌های دهه ۶۰، این تقابل به شکلی آشکار و بارز و به‌ویژه در اعتراض به صنعتی‌شدن، مظاهر مادی مدرنیته و ازدست‌رفتن سنت‌ها دیده می‌شود؛ اما در دهه‌های بعد، این تجربه درونی می‌شود و به شکل تردید، سرگردانی و گاه سنت‌گرایی بروز می‌یابد.

در حوزه مطالعات خارجی، جان فرو^۱ و دیگران (۲۰۱۹) در مقاله «رمان و رسانه: سه مقاله» به تأمل در رابطه بین رسانه و فرم متن ادبی و فراتر از آن، در مورد رابطه بین رسانه چاپی که رمان در آن شکل گرفت و رسانه‌های دیگری که محیط آن را تشکیل می‌دهند، پرداختند. جان فرو پروژه خود را با خوانش جاناتان گروسمان^۲ از یادداشت‌های پیک‌ویک (چارلز دیکنز) از نظر رابطه بین دو رسانه ارتباطی و دو شکل رمان‌نویسی که با آن‌ها مطابقت دارند، مقایسه می‌کند. ملیسا هاردی^۳ سپس به بررسی رسانه رمان‌نویسی می‌پردازد و «مادیت عجیب و غریب» طرح جلد آل‌وبن لوستیگ^۴ را در سال ۱۹۴۸ برای نایت‌وود جونا بارنز^۵ در نظر می‌گیرد که متون مدرنیستی، خوانندگان گسترده‌تری به دست می‌آورد و کلی ریچ^۶ رمان/دبلیو^۷ اثر زادی اسمیت^۸ را روایتی قوی از برخورد رمان به عنوان یک ژانر روایی و اشکال مختلف رسانه دیجیتال می‌خواند.

اما آنچه این تحقیق را در مقایسه با تحقیقات پیشین دارای نوآوری می‌کند؛ ۱. توجه به بازتاب مفاهیم توسعه و مدرنیزاسیون که در رسانه‌های جانشین همچون رمان

1. John Frow
2. Jonathan Grossman
3. Melissa Hardie
4. Alvin Lustig
5. Djuna Barnes
6. Kelly Rich
7. NW
8. Zadie Smith

توجه به آن‌ها مغفول واقع شده است؛ ۲. بهره‌گیری از رویکردی میان‌رشته‌ای در باب فهم عمیق متون ادبی برای رسیدن به واقعیت‌های مدنظر نویسندگان در برهه‌های تاریخی خاص؛ ۳. استفاده از روش تحلیل روایت برای روایت‌شناسی داستان و شناخت درون‌مایه فرمی و محتوایی رمان و درنهایت ۴. فهم سیر تطوری مدرنیزاسیون در طی نیم قرن رمان‌نویسی ایرانی است. با این حال تاکنون در حوزه رسانه و رمان، پژوهش‌هایی که بتوان با رجوع به آن‌ها کارکردهای رسانه‌ای رمان را بررسی کرد، انجام نگرفته است؛ از این‌رو نظریه‌ای که بتوان با استناد به آن به‌طور مشخص به رمان و مدرنیزاسیون به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه‌یافتگی ملت‌های مختلف پرداخت، وجود ندارد. تازگی و بینابین‌بودن این تحقیق ما را بر آن می‌دارد که از نظریه‌های مختلف در چند بخش مجزا استفاده کنیم.

چهارچوب نظری و روش تحقیق کتاب و رمان

کتاب رسانه‌ای است که گذشته را طبقه‌بندی می‌کند و می‌تواند بیش از اطلاعات الکترونیکی، امیال خواننده خود را مرتفع نماید و اگر کتاب می‌تواند به‌عنوان یک هدیه یا خدمات محیطی به هر نقطه‌ای فرستاده شود، به این معناست که «این فرستنده است که خود ارسال می‌شود». هنگامی که زمینه یا محیط یک وسیله خدماتی با چنین خصوصیت پایداری ظاهر می‌شود، فرد یا مصرف‌کننده تغییر شکل می‌دهد (مک لوهان، به نقل از بامفیلد^۱ ۱۳۸۱: ۴۳). ریچارد کراسمن^۲ معتقد است اگرچه تکنیک‌های جدید جای بسیاری از کاربردهای کتاب را گرفته؛ ولی کاربرد اصلی کتاب که همان نویسندگی خلاقه است نمی‌تواند از طریق تلویزیون یا سایر رسانه‌ها تحقق پذیرد. همه پیشرفت‌هایی که در رسانه‌های ارتباطی به دست آمده است و نیز ثروتی که رسانه‌های ارتباطی کسب می‌کنند، ناشی از چگونگی انتشار و توزیع آنان است (بامفیلد ۱۳۸۱: ۱۲۵). به تدریج که کتاب‌ها به‌منظور دربرگیری مخاطبان بیشتر و گسترش افکار صاحب‌قدرتان و صاحب‌قلمان از حالت خاص و جدی‌بودن خارج می‌شوند و به‌سمت عامه‌پسندشدن پیش می‌روند، رمان ظهور می‌کند.

از پیدایش رمان در ایران، کمتر از نزدیک به یک قرن می‌گذرد. ظهور اولین نمونه‌های رمان در ادبیات فارسی را باید در گونه «رمان تاریخی» جست‌وجو کرد که در عصر مشروطیت، پا به عرصه وجود گذاشت. اولین رمان‌های تاریخی فارسی

1. Baumhield
2. Richard Crossman

نیز محصول غیرمستقیم آشفته‌گی‌های سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه هستند که در فاصله سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۰ شمسی، نوشته شده‌اند و سرشار از درون‌مایه‌های اجتماعی و سیاسی هستند (پارسانسب ۱۳۸۹: ۱۷).

رسانه‌های جانشین؛ خاص

کتاب از همان اوان ظهور خود آگاهی‌بخش، سرگرم‌کننده و گاه نیز آموزشی بوده است. برخی از این رسانه‌ها مانند کتاب یا سینما برطرف‌کننده نیازهای مخاطبان خاص هستند و برخی مانند تلویزیون و رادیو و امروزه اکثر شبکه‌های اجتماعی، توده مخاطبان را پوشش می‌دهند و در کنار سرگرمی و آگاهی‌بخشی، پاسخگوی نیازهای رسانه‌ای آنان نیز هستند. رمان به‌مثابه رسانه که یکی از مهم‌ترین اشکال ادبی تبلور یافته دوران‌ها بوده است، گاه توانسته است با پرداختن به موضوعات روز جامعه و بازتاب شرایط اجتماعی، در جایگاه رسانه خاص واقع شود و کارکردهایی همانند آن را بر عهده بگیرد. اقتباس سینماگران معروف از شاهکارهای ادبی مانند *بینوایان* (۱۹۵۸)، *بر باد رفته* (۱۹۳۹)، *لولیتا* (۱۹۶۲) و یا در میان رمان‌های فارسی مانند *دایی جان ناپلئون* (ناصر تقوایی ۱۳۵۵)، *عزاداران بیل* (فیلم گاو، داریوش مهرجویی ۱۳۴۸)، *ملکوت* (خسرو هریتاش ۱۳۵۵) و *آوسنه باباسبجان* (فیلم خاک، مسعود کیمیایی ۱۳۵۲)، نشان از بار غنایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این رمان‌هاست.

از سویی کتاب به‌عنوان رسانه‌ای توده‌ای، نوعی از تعامل اجتماعی؛ یعنی «شبه‌تعامل رسانه‌ای»^۱ را ایجاد می‌کند که با فراهمی گستره اطلاعات و محتوای نمادین در مکان و زمان سر و کار دارد؛ به‌عبارتی، شبه‌تعامل رسانه‌ای در طول مکان و زمان گسترده است. این‌گونه تعامل نیز شامل نوعی باریک‌کردن گسترده اشارات نمادین است که برای گستره نامعینی از گیرندگان بالقوه ساخته می‌شود. شبه‌تعامل رسانه‌ای همچنین در سرشت خود ویژگی تک‌گویی دارد؛ بدین لحاظ که جریان ارتباط به‌طور عمده یک‌طرفه است (تامپسون ۱۳۸۰: ۱۰۴).

در باب مفاهیم نظری مطرح در این تحقیق باید اذعان داشت که به اعتقاد مجید تهرانیان، یکی از صاحب‌نظران بومی توسعه در ایران، توسعه زمانی رخ می‌دهد که ظرفیت‌های مادی و معنوی یک جامعه به‌طور هم‌زمان افزایش پیدا کند و به سطوح تازه‌ای از پیچیدگی، نظم و نوآوری دست یابد. براساس این تعریف، توسعه دارای شش بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و ارتباطی است. آنچه این ابعاد گوناگون را به هم پیوند می‌زند، گذار جامعه از یک جامعه بسته سنتی است که در آن جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و رفتاری افراد نسبتاً هم‌ساز است؛

اما سیر آن طبیعتاً به‌سوی گوناگونی هرچه بیشتر ساخت‌ها، شناخت‌ها، عواطف و رفتارها می‌رود. در این بین، رسانه‌ها می‌توانند در زمینه‌های مختلف توسعه، نقش بسیار مؤثری ایفا کنند. در صورت تطابق سازوکار آن‌ها با شرایط خاص اجتماعی، می‌توان کارایی آن‌ها را در این خصوص به‌میزان زیادی افزایش داد (خانیکی، ۱۳۸۴: ۴۵).

نقشی که رسانه‌ها در زمینه توسعه یک جامعه به عهده می‌گیرند، نقش مهمی است. در بُعد رشد فرهنگی، رسانه نوآوری را با سنت پیوند می‌دهد. در حوزه رشد اقتصادی، رسانه با افزایش انتظارات از سویی و اشاعه دانش‌ها از سوی دیگر، به تجهیز و تربیت نیروی انسانی لازم یاری می‌رساند. در زمینه آموزش، نقش رسانه، نقشی دشوار و حساس است که در انجام آن باید کل نظام آموزشی نیز در جهت نظام‌مندشدن و استفاده از آموزش‌های چندرسانه‌ای دگرگون شود. در حوزه فنون و مدیریت، نقش رسانه گسترش اندیشه و فنون بازه است و بدین ترتیب زیربنای فکری به‌هم‌پیوسته جهانی را فراهم می‌کند؛ بنابراین رسانه‌ها را باید در قالب روابط ناگسستنی آن‌ها با سایر عناصر و عوامل توسعه و نوآوری دید (خانیکی ۱۳۹۳: ۹۲). در ادامه چند نظریه اصلی درباره مدرنیزاسیون ذکر می‌شود که شاکله اصلی چهارچوب نظری این تحقیق را تشکیل می‌دهد و با تمسک به آن، مفاهیم مدنظر تحقیق درباره مسئله توسعه و فرایند مدرنیزاسیون اتخاذ می‌شود. برمن و لرنر در آرای خود که ریشه در تحقیقات ژرف آن‌ها درباره رویداد مدرنیزاسیون و نوسازی دارد، ضمن بیان پیچیدگی‌های گذار به یک دولت و جامعه مدرن، مؤلفه‌هایی را برای نیل به هر یک ارائه کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

مارشال برمن^۱

زندگی مدرن از خواستگاه‌های بسیاری ناشی می‌شود: کشفیات بزرگ در قلمرو علوم فیزیکی که تصویر ما از عالم و جایگاه ما در آن را تغییر می‌دهند؛ صنعتی شدن در امر تولید که دانش علمی را به تکنولوژی بدل می‌کند و صور جدیدی از قدرت شرکت‌های بزرگ و مبارزه طبقاتی را به وجود می‌آورد؛ افت‌وخیزهای عظیم در شمار و ترکیب جمعیت که میلیون‌ها تن را از مسکن آبا و اجدادی خویش ریشه‌کن و به‌سوی جهان، به درون اشکال نوینی از زندگی پرتاب می‌کند؛ رشد سریع و غالباً شدت‌یافته مناطق شهری؛ نظام‌های ارتباط جمعی که به‌واسطه بسط و تحول پویای خویش، دورترین و غریب‌ترین اقوام و جوامع را تحت پوششی واحد گرد می‌آورند؛ دولت‌های ملی با ساختار و عملی بروکراتیک که روزبه‌روز قوی‌تر

می‌شوند و همواره می‌کوشند قدرت خود را توسعه بخشند؛ جنبش‌های اجتماعی توده‌ای، متشکل از مردم و اقوامی که حاکمان سیاسی و اقتصادی خویش را به مبارزه می‌طلبند و می‌خواهند تا حدی بر زندگی و سرنوشت خویش مسلط شوند و دست آخر، بازار جهانی سرمایه‌داری که همواره در حال گسترش و درگیر نوسانات حاد است. این فرایندهای اجتماعی که چنین گردابی را به وجود می‌آورند و آن را در حالت شدن یا صیورت دائمی نگه می‌دارند، در قرن بیستم، «مدرنیزاسیون» نام گرفته‌اند (برمن ۱۳۸۶: ۱۵).

مارشال برمن که نگرشی منفی نسبت به مدرنیزاسیون دارد، رخدادهای فوق را از جمله شاخصه‌های مدرنیزاسیون در قرن بیستم به شمار می‌آورد. او همچنین کارخانه‌های خودکار، مناطق صنعتی وسیع، رسانه‌های جمعی، منظر جنبش‌های توده‌ای اجتماعی که از پایین علیه مدرنیزاسیون از بالا، صورت می‌گیرد و منظر جهانی بازار سرمایه را از جمله نوسازی‌های قرن نوزدهم می‌داند. برمن مدرنیزاسیون را امری نیازمند قطع بوته‌ها، خشک کردن باتلاق‌ها، زهکشی رودخانه‌ها، کندن آبراهه‌ها، بستن سدها و موانع خاکی، زیرسازی بناها، رشد سریع شهرها و ظهور نماهای بیرونی مجلل می‌داند که همزمان با این مدرن‌سازی و جان‌گرفتن ماشین‌ها، برخی از مهم‌ترین احساسات بشری می‌میرد.

لرنر^۱

نظریه نوسازی‌ای که لرنر ذیل مکتب نوسازی در دهه ۱۹۵۰ مطرح کرد، نظریه‌ای اجتماعی بود که تغییرات اجتماعی را راه‌های رسیدن به دنیای مدرن و مدرن‌سازی می‌دانست. افزایش درصد شهرنشینی، افزایش سطح سواد، افزایش مشارکت سیاسی و رأی‌دادن، مصرف رسانه‌ای (تیراژ روزانه، گیرنده‌های رادیویی و صدلی‌های سینما)، تولید رسانه‌ای (شمار روزانه‌ها، قدرت فرستندگی، فیلم‌های سینمایی در سال) و آموزش و پرورش (ابتدایی، حرفه‌ای، آموزش دبیری، دانشگاه‌ها) ممیزی‌های نوسازی لرنر بود.

لرنر که توسعه ارتباطات را عامل مهمی در مدرن‌سازی کشورهای جهان سوم می‌داند، الگوی نوسازی غرب را برای کشورهای خاورمیانه پیشنهاد می‌دهد. براساس تحلیل یافته‌های پژوهش وی، از زمانی که حدود ۱۰ درصد جمعیت، شهرنشین شده باشند، توسعه سواد و رسانه‌ها «اقتصادی» می‌شود و از اینجا شهرنشینی و دیگر روندهای نوسازی در مقطعی از زمان، توأمان رشد خواهند کرد. سواد نیز مهارت اساسی فردی است که زیربنای کل توالی نوسازی را تشکیل می‌دهد. زبان رسمی تأمین‌کننده نیاز

مصرف‌کنندگان رسانه‌ای است که محرک تولید رسانه‌ای هستند. مشارکت رسانه‌ای گرایش تمرکزگرایانه دارد. مشارکت سیاسی؛ از لحاظ تاریخی، حاکمیت مردم‌سالارانه با تأخیر ایجاد می‌شود و نوعاً به‌عنوان نهاد مسلط جامعه مشارکتی نمود پیدا می‌کند. در کشورهای که به سطح بالایی از تجدد رسیده‌اند، در کنار شهرها، حومه‌ها ایجاد شده، بخش‌های شهری به «نواحی شهری» تبدیل شده‌اند و افزایش ملی سواد و مشارکت پایه‌پای هم پیش رفته‌اند. ظرفیت برای ادغام تغییر اجتماعی مستمر در چهارچوب موجود نهادها به سیمای ساختاری مشخص جوامع مدرن توسعه‌یافته تبدیل شده است (لرنر ۱۳۸۳: ۱۰۵-۱۰۴). وی همچنین داشتن نظرات درباره موضوعات عمومی را نیز وجه شاخص تمایز انسان سنتی با مدرن می‌داند. در مجموع، از نظر لرنر کاهش فاصله طبقاتی، هدف اصلی نوسازی است.

در کل برمبنای مفهوم مدرنیسم و نظریه‌های مورد استفاده در پژوهش، مدرنیسم در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی قابل بررسی است؛ ابعادی که گاه جنبه فیزیکی و گاه جنبه غیرفیزیکی دارند. احمد موثقی به نقل از گابریل آلموند^۱ و جیمز کلمن^۲ جدایی دین از سیاست، تجاری‌شدن، صنعتی‌شدن، بالارفتن معیارهای مادی زندگی، گسترش سواد، رسانه‌های جمعی و آموزش و پرورش، وحدت ملی، توسعه مشارکت و دخالت مردم را از جمله شاخصه‌های نوسازی می‌داند. درنهایت اینکه ظهور زنان و مردان مدرن در کنار زنان و مردان سنتی، محصول دنیای مدرنی است که مورد توجه همه نظریه‌پردازان این عرصه است (موثقی ۱۳۹۱: ۶۴).

تحلیل روایت

این پژوهش با روش تحلیل روایت انجام گرفته که در زمره تحقیقات کیفی است و در آن، روایت‌ها با توجه به هدف مورد نظر براساس دیدگاه روایت‌شده نظریه روایت‌شناسی^۳ جerald پرنس که از نظریه‌پردازان ساختارگراست، تحلیل می‌شوند. از نظر او روایت، مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که آن‌ها را می‌توان در گروه‌های گوناگونی دسته‌بندی کرد. جerald پرنس^۴ روایت را بازنمایی دست‌کم دو رویداد یا موقعیت در یک گستره زمانی معین می‌داند که هیچ‌کدام پیش‌فرض یا پیامد دیگری نباشد (۱۳۹۱: ۱۰). طبق نظر او معنای عناصر مختلف را با ارجاع به بافت و زمینه و با بررسی رابطه‌اش با دیگر عناصری می‌توان دریافت که پی‌رفت دربرگیرنده آن عنصر

1. Gabriel Abraham Almond
2. James Samuel Coleman
3. Narratology
4. Gerald Prince

را شکل می‌دهند؛ از این رو براساس مؤلفه‌های اصلی روایت داستانی که حری آن‌ها را داستان، روایتگری و متن می‌نامد (۱۳۹۲: ۲۳) ما به‌عنوان مخاطب با متن سروکار داریم و با تحلیل آن می‌توانیم به فرایند خلق داستان و از دل آن درباره خود پیام که همان هدف و پیام اصلی است برسیم.

براساس دیدگاه روایت‌شده پرنس، ما با تعیین گزاره‌های صریحی درباره جهان موردنظر (شامل موضوع و توضیح درباره آن موضوع که در قالب یک جمله بیان می‌شود)، رویداد روایت‌شده را تحلیل می‌کنیم؛ به این ترتیب که ابتدا متن رمان به‌عنوان کل در نظر گرفته می‌شود و سپس گزاره‌های متناسب با شاخصه‌های مدرنیاسیون تعیین می‌شود و درنهایت براساس چند عنصر مشخص شده که عبارت‌اند از روابط زمانی، روابط مکانی، روابط علی و همچنین درون‌مایه، تجزیه و تحلیل می‌شوند.

روابط زمانی: رویدادهای نقل‌شده در روایت بر محور زمان، سازمان‌دهی می‌شوند. برخی از این رویدادها همزمان و برخی دیگر نیز ناهمزمان هستند. در رویدادهای همزمان دست‌کم یک رویداد باید از نظر زمانی، قبل از دیگری رخ دهد. اگر یکی قبل از دیگری رخ دهد، ممکن است از نظر زمانی خیلی نزدیک، تقریباً نزدیک یا دور باشند (پرنس ۱۳۹۱: ۷۰).

روابط مکانی: همان‌گونه که رویدادها می‌توانند همزمان یا ناهمزمان باشند، ممکن است در یک مکان رخ بدهند یا در مکان‌های متفاوت اتفاق بیافتند. در روایت ممکن است رویدادها در یک مکان و یک زمان رخ بدهند یا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و ترکیب‌های گوناگون دیگر (پرنس ۱۳۹۱: ۷۱).

روابط علی: رویدادها علاوه بر رابطه مکانی یا زمانی، می‌توانند رابطه علت و معلولی نیز داشته باشند. پیوندهای علی میان رویدادها شاید نشان‌دهنده وضعیت روان‌شناختی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی و یا مانند آن باشند (پرنس ۱۳۹۱: ۷۲).

شخصیت: شخصیت‌ها بیشتر برپایه کنش‌ها، با واژگان یا احساساتشان و غیره تعریف می‌شوند. شخصیت‌ها را می‌توان بر مبنای مقوله‌های عامی که کنش‌ها و واژگان و احساسات نشان‌دهنده آن‌ها هستند، برپایه کارکردشان و یا می‌توان برپایه تسلطشان در متن به‌طور کلی به دو دسته شخصیت‌های اصلی و فرعی (مبنای تقسیم‌بندی شخصیت‌ها در این پژوهش) تقسیم‌بندی کرد (پرنس ۱۳۹۱: ۷۶-۷۷).

درون‌مایه: یکی از پیوندهای میان رویدادها، ربطشان به یک درون‌مایه است. درون‌مایه عبارت است از اندیشه یا ایده‌های کلی که چند گزاره (فرعی یا چند درون‌مایه)، نشان‌دهنده یا روشن‌گر آن هستند. با استفاده از درون‌مایه می‌توانیم بگوییم آن روایت درباره چیست (پرنس ۱۳۹۱: ۷۹).

از سویی در این تحقیق، انتخاب پنج رمان شاخص و تأثیرگذار پنج دهه (۱۳۸۰-۱۳۴۰) نیز براساس روش نمونه‌گیری «مورد مشهور» که یکی از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند به شمار می‌رود، بوده و نمونه‌گیری در سه مرحله انجام شده است. در این فرایند نمونه‌گیری، در مرحله اول براساس نظرسنجی و مصاحبه با صاحب‌نظران در حوزه نقد ادبی، داستان‌نویسی و روزنامه‌نگاری، ۵۰ رمان شاخص دهه‌های مورد نظر انتخاب شد؛ سپس از میان ۵۰ رمان شاخص، ۱۰ رمان و در مرحله نهایی نیز با مراجعه دوباره به داستان‌نویسان، منتقدان و روزنامه‌نگاران ادبی، ۵ رمان و هر دهه یک رمان (شازده/حتجاج، جای خالی سلوچ، زمستان ۶۲، خانه ادریسی‌ها و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم) انتخاب شد.

بحث و بررسی

۱. شازده/حتجاج (هوشنگ گلشیری ۱۳۴۷)

شازده/حتجاج، رمانی حالت‌محور است که مشخصه جریان سیال ذهنی آن باعث می‌شود مدت‌زمان رویدادهای نقل‌شده بین چند دقیقه تا چند دهه باشد. مدت‌زمان روایت‌کردن رویدادهای روایت‌شده در شازده/حتجاج، طی چند ساعتی صورت می‌گیرد که شازده تب شدید دارد و درنهایت با مرگ او پایان می‌پذیرد. مکان بیشتر رویدادهای شازده/حتجاج که روایت روزگاران اشراف‌های قاجار و همچنین دوران افول آن‌هاست، در خانه اجدادی شازده رخ می‌دهد. بسیاری از رویدادهای روایت‌شده در این رمان، به دلیل نبود دولت دموکراتیک و ظلم و سلطه افراد صاحب‌قدرت، به وقوع می‌پیوندد. این رویدادها از زبان فخرالنسا، زنی باسواد و عاشق کتاب‌خواندن، در عصری که زنان همچنان تحت سلطه عمیق مردان‌اند، بیان می‌شود. بسیاری از رویدادهای روایت‌شده مربوط به دوران کودکی شازده و یا ظلم و ستم اجداد، کشت و کشتارشان، داشتن حرمسراها و دیگر اقدامات خودسرانه‌شان، نشان از وضعیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و همچنین اجتماعی جامعه دارد.

درون‌مایه

<p>در لابه‌لای آن‌همه فراش خلوت و خواجه‌باشی و شاطر و فریادهای کورشو، دورشو و زن‌های حرم و کنیزها که می‌ریختند توی حوض و کشتی می‌گرفتند... لخت؟ جد کبیر، حتماً، می‌خندیده (ص ۱۳).</p>	<p>نگاه به زن</p>
<p>با شمشیر و کلاه و چکمه و برق تکمه‌ها. و لله‌باشی‌ها و وزیر و مشیرهایش. حاکم ولایت... نمی‌دانم کجا. و شاید اگر فرصتی دست می‌داد و به سلام نمی‌نشست و آخوندها نمی‌آمدند تا دعا به ذات اقدس بکنند و یا امرا به پاپوس مشرف نمی‌شدند (ص ۱۳).</p>	<p>مذهب و سیاست</p>

نعل اسب‌ها روی آسفالت خیابان صدا می‌کرد (ص ۱۶).	نوسازی و سنت
شازده بزرگ گفته بود: «مبادا رعیت‌ها را بکشید!» به تاخت رفتیم ده چرنویه... آنجا هم از تفنگ چپی خبری نبود. رعیت‌ها هاج و واج ایستاده بودند کنار در خانه‌هاشان. شازده بزرگ داد زد: «گم بشوید!» همه رفتند توی خانه‌هاشان و درها را بستند. ما به تاخت رفتیم توی قلعه اربابی (ص ۱۹).	نظام ارباب‌رعیتی
گفت: «اگر فخری را عقد نکنی می‌روم عارض می‌شوم». گفتم: «برو هر غلطی می‌خواهی بکن». پولش دادم (ص ۷۷).	جایگاه زن
خیلی کشته؛ اما خوبی پدر این بوده که نمی‌دیده، که جلو روش نبوده، که هر روزه نبوده، که یک ساعت و خلاص. یک دفعه دویت تا پانصد زخمی و کشته (ص ۸۲).	ارتش و نوسازی دولت
چرا کتاب‌ها را سوزاند؟ من تازه شروع کرده بودم که بی‌غلط بخوانم. وقتی دیر می‌کرد می‌نشستم کنار پنجره و می‌خواندم (ص ۶۵).	مصرف رسانه‌ای

همچنین عقلانیت سیاسی، سنت، نوسازی ارتش، آیین مذهبی، اسلام سیاسی، پوشش زن و فرهنگ ایرانی نیز از درون‌مایه‌های اصلی این اثر هستند.

۲. جای خالی سلوچ (محمود دولت‌آبادی ۱۳۵۷)

جای خالی سلوچ رمانی کنش‌محور است که در فاصله زمانی تقریباً یک‌ساله؛ یعنی زمستان تا پاییز رخ می‌دهد؛ به عبارتی فاصله زمانی رویدادهای روایت‌شده بسیار نزدیک و یا نزدیک‌به‌هم است. زمینج، یکی از روستاهای سبزواری واقع در استان خراسان، مکانی است که رویدادها در آن رخ می‌دهد.

آغاز کشاورزی مکانیزه و ورود تراکتور در پی این رخداد نوین در روستاهای ایران، از جمله زمینج، رقم‌زننده بیشتر رویدادهای این اثر است. بیکاری فراگیر روستاییان و دامن‌زدن به این امر در اثر مکانیزه کردن کشاورزی و کار با ماشین‌های صنعتی، موجب تحرک فیزیکی روستاییان، مخصوصاً قشر جوان، به منظور کار در شهرهای بزرگ‌تر و گسترده‌تر شدن فقر در بین طبقات فرودست جامعه شده است. بی‌خبررفتن سلوچ و مردان دیگری از روستا که خیلی از آن‌ها هرگز برنگشته‌اند و یا رفتن سالانه مراد و دیگر جوانان روستا برای کارگری در شاهرود، تهران، مشهد و دیگر استان‌ها برای چند فصل از سال در اثر بیکاری است؛ هرچند جوانان امروز ترجیح می‌دهند حقوق خود را به صورت پول نقد بگیرند تا به صورت مبادله کالا به کالا و این خود دلیلی بر رغبت آنان برای رفتن به شهرها و همگام شدن با مد روز است. بیکاری و فقر خانواده سلوچ و همچنین ناپدید شدن او که همزمان با آن، ورود تراکتور به زمینج

نیز به تصویر کشیده می‌شود، نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و نیز جایگاه زن روستایی و سنتی در جامعه خود است.

درون‌مایه

<p>دیروز وعده‌اشنا دم حسینیه وعده کرد که امروز بیایم آن پنج من مس را وردارم و ببرم. - کدام پنج من مس را؟ - همان‌که بابتش پانزده من گندم از من گرفته بود دیگر (ص ۳۲).</p>	<p>مبادله کالا به کالا</p>
<p>شنیدن دشنام زن، آن‌هم از زبان آدم بی‌سروپایی که هنوز با حرمت زناشویی آشنا نیست، برای سالار عبدالله صد بار گزنده‌تر بود. حتی در شوخی‌های ساده، آن که زن ندارد، حقش نیست که با مرد عیالوار زبان‌بازی کند (ص ۴۶).</p>	<p>جایگاه زن، عقلانیت اجتماعی</p>
<p>عباس پی حرف خود را گرفت و گفت: من که خجالت می‌کشم. دخترها هم بیش از این پنبه، چوب به خانه می‌آورند. مردم چی به ما می‌گویند با این پشته‌هامان (ص ۴۹).</p>	<p>نگاه به زن</p>
<p>زمین را اول از ممیزی می‌آیند و می‌بینند. آن‌ها باید تشخیص بدهند که خاک مرغوب‌ست و به‌درد پسته‌کاری می‌خورد یا نه. پسته‌کاری هم در این ولایت نوبرانه است. دولت همین‌جوری پولش را دور نمی‌ریزد. می‌دانی که (ص ۹۵).</p>	<p>کشاورزی آزاد</p>
<p>ما که با او طرف نیستیم. طرف ما دولت است. سند ملک گرو می‌گذاریم و پول قرض می‌کنیم. سر هر ماه هم یک جزئش را می‌دهیم (ص ۱۰۰).</p>	<p>نظام فئودالی مدرن</p>
<p>مردها به‌رغم خواستی که حاج‌سالم داشت، پشت سر ملای زمینچ به نماز ایستادند. علی‌گناو نماز نمی‌دانست. پسر صنم هم نمی‌دانست. بیشتری‌ها فقط لب‌هایشان را تکان می‌دادند (ص ۱۷۸).</p>	<p>مذهب و اجتماع</p>
<p>من می‌روم. من هیچ‌وقت دل به نبود نمی‌بندم. می‌روم جایی که وقتی صبح تا شب جان‌کندم، بدانم غروب به‌غروب مزدم به جیبم می‌رود (ص ۲۰۰).</p>	<p>تحرك فیزیکی، مصرف پول نقد</p>
<p>مرگان می‌شنید که سالار عبدالله حرف از خرید تراکتور می‌زند. دستگیرش شد که شریک‌های عمده تراکتور، ذبیح‌الله و داماد اقاملک و کدخدانوروز هستند. بعد حرف از مکینه به میان آمد و یک‌کاسه‌کردن زمین‌های پراکنده (ص ۲۲۸).</p>	<p>کشاورزی مدرن، استفاده از نیروی آب، نظام فئودالی مدرن</p>
<p>مراد پرسید: راستی، این جانورها را کجا درست می‌کنند؟ ... پولش چقدر می‌شود؟ لابد سر به خداتومن می‌زند؟! ... لابد این پول‌ها یک جوری باید از روی همین زمین‌ها فراهم بیاید دیگر، نه؟ بین پول زحمت‌کشی ما به جیب کی می‌رود (ص ۲۵۳).</p>	<p>جان‌گرفتن ماشین‌ها، نظام ارباب-رعیتی نوین</p>

تراکتور کنار جمعیت ایستاد و خرمنی خاک از راه برآورد. جمعیت، خود را از درون غبار بیرون کشید (۱۵۸).	صنعتی شدن
من دارم کشاورزی این منطقه را مکانیزه می‌کنم. تو نمی‌دانی معنی این حرف‌ها چیست! مکانیزه! همه چیز طرف من است، پشت من است... من خیال دارم در این منطقه کارهای مهمی بکنم. پنبه‌کاری. پسته‌کاری. می‌دانی یعنی چه؟ این ولایت را آباد می‌کنم (ص ۳۲۳).	نوسازی دولت، مکانیزه کردن کشاورزی
امام‌زاده دیگری یافته بودند، امام‌زاده دیگری برایشان ساخته شده بود و مراد از او می‌خواستند: دولت... از این اداره به آن یکی و از این دفتر به آن بانک (ص ۳۵۱).	دولت مدرن

همچنین فقر، تحرک فیزیکی، کشاورزی سنتی، عقلانیت اجتماعی، تجارت سنتی، عقلانیت و مذهب، «شکاف طبقاتی»، «سنت»، تمرکز بر سلیقه‌های باب روز و انسان سنتی، از دیگر درون‌مایه‌های اصلی این اثر هستند.

۳. زمستان ۶۲ (اسماعیل فصیح ۱۳۶۶)

زمستان ۶۲، روایتی از جنگ ایران و عراق است که کنش‌محوری و حالت‌محوری آن در تناسب است. بیشتر رویدادهای این روایت در اهواز و طی سه ماه، آن‌هم در چهارمین سال جنگ تحمیلی ایران، رخ می‌دهد. جنگ دلیل اصلی رخ دادن رویدادها در اهواز است. دکتر منصور فرجام برای طراحی و راه‌اندازی مرکز تکنولوژی کامپیوتر و زبان انگلیسی و مهندس جلال آریان برای یافتن ادریس راهی اهواز شده‌اند. حضور این دو در اهواز نشان‌دهنده وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های جنگ است. این جنگ و جنون که زندگی عادی مردم را به یغما برده است، دلیلی بر مصرف گسترده رسانه‌ها یعنی رادیو، روزنامه (کیهان) و تلویزیون برای آگاهی از اوضاع جنگ و حالت آماده‌باش برای دفاع از خود است. تبلیغات روانی رسانه‌ها از جنگ یا به‌حاشیه‌راندن آن وضعیت روان‌شناختی مردم را تغییر داده و موجب بروز اثرات فردی یا اجتماعی‌ای متفاوت از قبل شده است.

درون‌مایه

در راهروی دراز طبقه سوم که کفپوش لینولوم خارجی‌اش به حال زاری افتاده، بیاوبرویی است از برادران ریشدار با کاپشن شبه‌نظامی؛ و گه‌گاه خواهرهای سیاه‌پوشیده در حجاب‌های سفت و سخت اسلامی از این اتاق به آن اتاق می‌لغزند یا منتظر آسانسوری‌اند که بالای‌شان نوشته: «مخصوص استفاده خواهران» (ص ۴۱).	ظهور تفکرات مذهبی جدید (تفکیک جنسیتی)
--	---------------------------------------

<p>وقتی که می‌پیچم، تقریباً می‌خورم به یکی از خواهران. زن مسن و ریزه‌ای است، با مانتوی گشاد، یک جفت شلوار بلند پاچه گشاد سیاه، مقنعه که کشیده شده تا روی ابروانش. سرش پایین است (ص ۴۶).</p>	<p>پوشش زن</p>
<p>از او خواسته‌اند که در رابطه با مرکز آموزش حرفه‌وفن شرکت، واحد آموزش و زبان فنی و تکنولوژی و در جوار آن، مرکز آموزش علوم کامپیوتری جدیدی را طرح‌ریزی و پیاده کند (ص ۶۸).</p>	<p>عمران</p>
<p>حاج آقا لواسانی قول داده این کار امکان‌پذیر است. برنامه آموزش کامپیوتر شامل دوره‌های مختلف برای آموزش تخصص‌های مختلف است (ص ۶۹).</p>	<p>آموزش حرفه‌ای</p>
<p>مراکز آموزش زبان و تکنولوژی به تدریج طی سال‌ها مجهزتر می‌شوند و به صورت مدارس عالی درمی‌آیند و جزو بهترین مراکز از نوع خود، نه تنها در خاورمیانه؛ بلکه در تمام آسیا می‌شوند (ص ۷۰).</p>	<p>نوسازی</p>
<p>این یکی علاوه بر النگوها و گردنبندش، تنها زنی است که من در عمرم دیده‌ام که گوش‌هایش دو جفت سوراخ دارند و دو جفت گوشواره از آن‌ها آویزان‌اند (ص ۸۶).</p>	<p>زن مدرن</p>
<p>دور و بر تابلوی «کلمه‌الله» پوسترهایی از رهبران روحانی انقلاب، و از حجت‌الاسلام‌های مشهور که اکنون پست‌های مهم جمهوری اسلامی را دارند با پونز نصب شده (ص ۱۰۹).</p>	<p>نقد دولتمردان</p>
<p>بیژن جزایری می‌گوید: «ایران سرزمینه که ملیت واحد ندارد و مردم تابع زورند، توی ایران یک ملت محکم و ثابت مثل ژاپن یا اسپانیا پیدا نمی‌شه. وگرنه به این روز نمی‌افتاد» (ص ۱۳۳).</p>	<p>نقد وحدت ملی</p>
<p>یک نفر دارد وعظ می‌کند و به دل‌های برادران و خواهران مؤمن، از لذائذ جنت، و از شکوه و عظمت و چیزهای خوب آن دنیا و باغ ارم و از لب حوض کوثر و حوریان بهشتی مژده‌ها می‌دهد (ص ۳۰۵).</p>	<p>اسلام سیاسی</p>
<p>در سرزمینی که در حال «جنگ تحمیلی» با «ابر قدرت‌ها» است، حتی مرغ‌های عشق هم باید یاد بگیرند خودکفا باشند (ص ۱۴۳).</p>	<p>نقد جنگ</p>
<p>در مرکز آموزش تکنولوژی کامپیوتر دستاوردهای چندانی ظهور نکرده. هره‌های تراس طبقه سوم را هم که سراسر کاشی‌های فیروزه‌ای نقاشی‌شده کار اصفهان دارد، خراب کرده‌اند تا روی ساختمان برای ایجاد یک سالن سراسری مرکز بزرگ ترمینال‌های کامپیوتر که سفارش داده‌اند، جا درست شود (ص ۱۴۴).</p>	<p>نقد نوسازی</p>
<p>این قسمت‌های اهواز در اثر جنگ مستقیماً صدمات دیده. کارخانه‌ها و مزرعه‌ها متروک و ول‌اند. خانه و کپره‌های رهاشده خالی همه جا هست. از عبدالخان به بالا آثار جنگ بیشتری توی چشم می‌خورد (ص ۱۹۸).</p>	<p>ویرانی</p>

عصر، کیهان روز قبل را که با قطار شب می‌رسد می‌خوانم. با تیتراهای ابدی (ص ۳۲۸).	مصرف رسانه‌ای
--	----------------------

همچنین عقلانیت سیاسی و مذهب، نقد نظام اداری، ظهور نهادهای جدید، نقد انقلاب، انسان سنتی و مدرن، زبان ملی و مهاجرت، نقد رسانه، افکار عمومی، اهمیت آموزش، نقد نظام جمهوری اسلامی، نقد پوشش نوین زن، نقد سیستم آموزشی و روابط بین‌المللی از درون‌مایه‌های اصلی این اثر هستند.

۴. خانه‌ ادیسی‌ها (غزاله علیزاده ۱۳۷۰)

الگوی کنش‌محوری و حالت‌محوری رویدادها در خانه‌ ادیسی‌ها نیز متوازن است. رویدادهای خانه‌ ادیسی‌ها در فاصله‌ زمانی بعد از سرنگون‌شدن دولتی فاسد و روی کار آمدن دولتی جدید رخ می‌دهد. خانه‌ ادیسی‌ها مکانی است که بیشتر رویدادها در آن رخ می‌دهد. و تنها تعداد اندکی از رویدادهاست که در خارج از این خانه به وقوع می‌پیوندد و آن زمانی است که این خانه با هجوم دوباره آتشکارها در آستانه تبدیل شدن به ویرانه‌ای خالی از سکنه است.

انقلاب مردمی، سرنگونی رژیم پیشین و به قدرت رسیدن دولت جدید که خیلی زود فساد و خودکامگی آن نیز برملا می‌شود، عامل اصلی رویدادهای خانه‌ ادیسی‌هاست. تغییر وضعیت سیاسی و به دست گرفتن قدرت دولت نوین باعث هجوم طبقات پایین‌تر جامعه به طبقات مرفه دولت قبلی برای احقاق حق خود شده است: «با برداشتن سنگ اول، خرابی سد شروع می‌شود، پشت هر خشونت، چهره زشت خشونتی بزرگ‌تر پنهان شده، ادامه این دور باطل باعث می‌شود تا آسیاب‌های قدرت با خون به راه بیافتد» (علیزاده ۱۳۹۴: ۱۸۲).

درون‌مایه

«هیچ فایده‌ای ندارد. اعصاب را سست می‌کند، روح آدم را توی خیالات می‌برد. آتشکارها برنامه دارند کتاب‌ها را دستچین کنند، خواب و خیال‌ها را بریزند دور» (ص ۵۹).	عقلانیت و نقد سیاسی - فرهنگی
پری شانه بالا انداخت: «نه، من نمی‌پسندم. خوشگل‌هایشان را ندیده‌ای... مثل عروسک بودند، بوی عطرشان تا آخر شب توی راهروها باقی می‌ماند. دستکش سفید می‌پوشیدند» (ص ۸۲).	نگاه به زن با تأکید بر طبقه
دختر توضیح داد: «دلش می‌خواهد او به جای شیرین بمیرد. از خودش بدش می‌آید». «فکر می‌کند پرخور است». «مگر پرخوری گناه است»؟ «آدم ندار باید جلو شکمش را بگیرد» (ص ۹۶).	نقد طبقاتی

<p>می‌گفت ادارهٔ اصلاحات اجتماعی را می‌دهند به دست شوکت». رییس اصلاحات اجتماعی! مگر آدم قحطی شده؟ من که رأی نمی‌دهم. ترکان روی نیمکت نشست، پاها را آویخت، تکان داد: «رأی ما اثر ندارد. آتشیخانهٔ مرکزی تصمیم می‌گیرد» (ص ۱۵۶).</p>	<p>نقد سیاسی و نقد دولت</p>
<p>حالا هنرپیشه‌های تازه‌ای آمده‌اند... حیف که روی صحنه مثل اردک راه می‌روند، جیغ می‌کشند؛ جیغ رسم است، مردم این‌طور تهییج می‌شوند (ص ۱۶۲).</p>	<p>نقد فرهنگی</p>
<p>با هیچ جناحی عرضهٔ بندوبست ندارند، چون فکر می‌کنند از دماغ فیل افتاده‌اند. در خوابی گران فرورفته‌اند، از تحولات بنیادی مطلقا آگاهی ندارند... کارخانه‌ها پرکوب به راه افتاده، کارگران محبوب ما، سرودخوانان و پرتوان، همه با لباس‌های نو، سر کار حاضر می‌شوند» (ص ۲۲۴).</p>	<p>نقد اجتماعی، نوسازی دولت و صنعتی شدن</p>
<p>کاوه سری تکان داد: «افسوس که حوصلهٔ روزنامه‌خواندن ندارم. در این ورق‌پاره‌ها غیر از دروغ چیزی نیست. دل‌های ما مثل شیشه نازک شده. اعضای آتشیخانه قلب‌هایی از فولاد دارند» (ص ۲۶۵).</p>	<p>مصرف رسانه‌ای</p>
<p>به خودم نهیب می‌زنم قهرمان شوکت!... تو سواد حسابی نداری، صبر کن تا کتاب‌خوانده‌ها، آدم‌هایی که مخشان پر است، آینده را روشن کنند!» (ص ۳۲۶).</p>	<p>اهمیت سواد</p>
<p>اما خادمان توده‌ها آگاهند. افکار سازندهٔ من، بی‌کم‌وزیاد، در خدمت آتشیخانهٔ مرکزی‌ست. نظم نوین، قاطعیت لازم دارد. تلاش‌های نهضت کوهستان در زمان رژیم نظامی، البته ارزنده بود؛ اما در حکومت توده‌ها، ایمان و اطاعت محض، شرط پیروزی است» (ص ۳۹۸).</p>	<p>نوسازی دولت و عقلانیت سیاسی</p>
<p>رشید به بنا نگاه کرد: «همه تارومار شدیم، حیف!... تراکتور آورده‌اند». «کشاورزی مکانیزه؟ رشید ساقهٔ گندم رسیده را رو به وهاب دراز کرد، مرد گرفت و در جیب گذاشت (ص ۵۷۹).</p>	<p>کشاورزی مدرن</p>

همچنین عقلانیت سیاسی، نقد سیاسی و طبقه، فرهنگ و آیین‌های شرقی، تفاوت عمیق فرهنگی و اقتصادی در طبقات مختلف جامعه، عشق‌های شکست‌خورده که سنت و طبقه، مانع از وصال آن‌ها بوده است، مشارکت سیاسی، عقلانیت و سنت، آیین و نقد مذهبی، آموزش و پرورش، نقد اجتماعی و اقتصادی، سواد حرفه‌ای، سنت و پوشش زن از دیگر درون‌مایه‌های اصلی خانهٔ ادیسی‌ها است.

۵. چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم (زویا پیرزاد ۱۳۸۰)

رویدادهای این رمان، از نظر کنش‌محوری و حالت‌محوری در تناسب هستند. چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، روایتی از خانواده‌ای مدرن در سال‌های قبل از

انقلاب است که در شهر آبادان به وقوع می‌پیوندد. خانه کلاریس کانون اصلی این رویدادهاست؛ خانه‌ای که با ورود همسایه‌های جدید یعنی سیمونیان‌ها دچار دگرگونی‌ها و تنش‌هایی می‌شود که تنها کلاریس به‌عنوان یک زن درون‌گرا آن را حس می‌کند.

درون‌مایه

اولین گروه آرامنه که در شرکت نفت ایران و انگلیس استخدام می‌شوند، هر روز بعد از ساعت کار، به محل مدرسه می‌روند و ساختمان مدرسه را درواقع با دست خودشان می‌سازند (ص ۱۹۳).	حضور آرامنه در شرکت نفت
مشتریای شرکت نفتی تا تقی به توقی می‌خوره و حقوق زیاد می‌شه و گرید میره بالا، اولین کارشون عوض کردن خونه و ماشینه (ص ۱۶۷).	طبقه متفاوت کارمندان شرکت نفت
هرچه باشه آقای مهندس سینیوره. حرف ما کارگرا که دررو نداره (ص ۲۰).	شکاف طبقاتی
بعد از انجمن خودشان گفت. از سعی زن‌ها برای گرفتن حق رأی. از کلاس‌های سوادآموزی. از اینکه زن ایرانی هنوز به حق و حقوق خودش آشنا نیست (ص ۱۹۴).	حضور زنان در عرصه اجتماعی
خانم نوراللهی داشت می‌گفت: «باز هم تکرار می‌کنم که اولین خواست و هدف بانوان ایران داشتن حق رأی است» (ص ۷۷).	تلاش برای حق رأی زنان
و تا قبل از انقلاب، روسیه پادشاه داشته و بعد از سرکارآمدن کمونیست‌ها، جزو جمهوری‌های شوروی شده و پادشاه به اروپا فرار کرده و حالا پسر همان پادشاه رییس روابط عمومی شرکت نفت شده در آبادان (ص ۲۱۲).	حضور نیروهای خارجی سیاسی در شرکت نفت
این همه سال آبادان بودم و هر بار از تفاوت قسمت شرکت نفت با باقی شهر تعجب می‌کردم. انگار از بیابانی بی‌آب و علف ناگهان پا می‌گذاشتیم توی باغی سبز (ص ۲۲۲).	نوسازی نامتوازن
برای من هیچ مهم نبود گارنیک هواخواه ملی‌گراهای ارمنی باشد و به قول آرتوش... «درک نمی‌کند صلاح ارمنی‌ها هم مثل همه دنیا پیوستن به جبهه خلق‌ست» (ص ۲۲).	عقلانیت سیاسی
گفت: «عجب دنیایی شده. پاک‌کن برداشته‌اند و کشورها را از روی نقشه پاک می‌کنند» (ص ۲۱۳).	نقد سیاسی

همچنین زن سنتی، زن مدرن، مصرف رسانه‌ای و زبان ملی، از درون‌مایه‌های مهم این اثر است.

نتیجه

این پژوهش با هدف بررسی بازتاب مفاهیم توسعه و مدرنیزاسیون در رمان‌های تأثیرگذار فارسی ۵ دهه در ایران و با توجه به نظریات متفاوت توسعه، مدرنیزاسیون و... صورت گرفته است. با توجه به یافته‌ها، پاسخ پرسش‌های تحقیق به شرح زیر است:

آیا رمان واجد ویژگی‌ها و کارکردهای رسانه است؟

آگاهی‌بخشی، آموزشی و همچنین سرگرمی از جمله کارکردهایی است که رمان در جایگاه رسانه خاص به آن‌ها می‌پردازد. رمان با پرداختن به مسائلی که از جمله وظایف رسانه‌های ارتباطی نیز هست، رسانگی خود را تثبیت می‌کند. در رمان شاخص ایرانی، نقد نظام‌های سیاسی، آشفتگی‌های ملی و فردی جامعه در تمام ابعاد، اهمیت آموزش، جایگاه زن، روابط بین‌المللی و... به چشم می‌خورد. رمانی مانند جای خالی سلوچ نیز جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که در نتیجه تصمیم‌های بزرگ ملی؛ یعنی اصلاحات ارضی، دچار اغتشاش شده است. نقد جنگ و ترسیم ویرانه‌های مربوط به آن در زمستان ۶۲ بهتر از رسانه دیگری به تصویر درآمده است. تغییر نظام و افول اشرافیت در خانه ادریسی‌ها و مسئله مهاجرت در چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم نیز از مهم‌ترین مسائلی هستند که ایران در چندین دهه با آن‌ها دست‌وپنجه نرم کرده است.

آیا گفتمان نوسازی و مدرنیزاسیون در رمان‌های شاخص تحقیق پیش‌رو بازتاب داشته است؟

رمان‌های شاخص هر دوره، هر یک نماینده خاصی برای بازتاب ابعاد مختلف مدرنیزاسیون در جامعه بوده‌اند. گلشیری معتقد است رمان باید با مناسبات اجتماعی تطابق داشته باشد، در بیشتر رمان‌هایش به دگرگونی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی دهه ۴۰ به بعد می‌پردازد (دست‌غیب ۱۳۸۶: ۳۵۳). رمان او؛ یعنی شازده/حتجاج به گونه‌ای بازتاب اوضاع سیاسی-اجتماعی جامعه است. جامعه‌ای که با افول اشرافیت و آغاز نوسازی رضاخان همراه است. این رمان نماینده بارز گذر از یک نظام ارباب-رعیتی به نظامی با ارتش نوین و رویکردهای نوین است. ظلم اربابان، بیچارگی و مظلومیت رعیت‌ها، ظلم نسبت به زنان و کودکان، کشتارهای غیرعادلانه و گاه دلخواهی ارباب‌ها در نظام فئودالیت و همچنین کشتار دسته‌جمعی ارتش در نظام نوین، همه نشان از جامعه‌ای ایرانی دارند که با تغییر هر نظام و دولتی، عده‌ای را به کام مرگ می‌فرستد.

جای خالی سلوچ که در بحبوحه صنعتی شدن و اجراشدن اصلاحات ارضی روایت می‌شود، نمایانگر جامعه‌ای است که شاهد توسعه نامتوازن در بین اقشار مختلف

است. دولت‌آبادی با به‌تصویرکشیدن قدرتمند جامعه در حال‌گذار از دوران سنتی به دوران مدرن، تأثیرات این طرح سیاسی-اجتماعی را نشان می‌دهد. اصلاحات ارضی و واگذاری وام به کشاورزان باز هم به نفع مالک‌ها و خرده‌مالک‌هاست و آنان هستند که به شهرها سفر می‌کنند؛ دانش و آگاهی بیشتری دارند و با تکیه بر موقعیت اربابی پیشین خود، نظام فئودالی جدیدی را رقم می‌زنند. مرگان در جایگاه زنی روستایی و تنها، ورود تراکتور و مکانیزه کردن کشاورزی، بیکاری و فقر در اثر حضور ناخوانده این موجود آهنین و مهاجرت نیروی کار به شهرها، از جمله نتایج گفتمان نوسازی است که در روستای زمین‌رخ می‌دهد.

گفتمان نوسازی دهه ۶۰ با رمان زمستان ۶۲ که روایت جنگ در چهارمین سال جنگ بین ایران و عراق است، بیشتر با توسعه سیاسی و فرهنگی همراه است. فصیح به نقد جنگ و اوضاع سیاسی و اجتماعی آن روزگاران می‌پردازد. ایران که از سال ۵۹ تا ۶۷ وارد جنگ با عراق می‌شود، شاهد ویرانی‌ها، کشتارها، خدمت‌رسانی ابرقدرت‌های بین‌المللی به عراق و به تبع آن نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیادی است. همچنین شاهد تغییرات فیزیکی و روانی زیادی است که در نتیجه انقلاب اسلامی و تغییر دولت در شهرها به وجود آمده است. نقد جدی جنگ و دولتمردان، نوسازی و راه‌اندازی مرکز کامپیوتری در دل اهواز در حال جنگ، پوشش جدید زن که از آن به‌عنوان حجاب اسلامی یاد می‌کند و محدودیت‌های آنان، مهاجرت طبقه خاص برای دور شدن از جنگ و تن‌دادن فرزندانشان به خدمت سربازی و مصرف رسانه‌ای مخصوصاً روزنامه خاص کیهان و رادیو برای آگاهی از اخبار روز ایران و سایر مناطق جهان، مفاهیم خاص مدرنیزاسیون هستند که فصیح با بهره‌گیری از جامعه آن روز ایران به‌خوبی آن را به تصویر کشیده است.

در دهه هفتاد که دهه سازندگی است، دولت با بحران‌های جسمی و روانی به‌جامانده از جنگ مواجه است. توسعه همه‌جانبه و آبادانی از برنامه‌های ملی است. علیزاده در *خانه ادیسی‌ها* جامعه‌ای را بعد از انقلاب و برانداختن رژیم حاکم و به‌روی کار آمدن دولت جدید که قرار است هدف آن سازندگی باشد، ترسیم می‌کند. شکاف طبقاتی، جنبش و مشارکت سیاسی-اجتماعی، سازندگی و توسعه سیاسی از درون‌مایه‌های اصلی و مکانیزه کردن کشاورزی نیز از جمله آرزوهای شخصیت‌های اصلی رمان است. اقتدار زن و جایگاه او در نظام طبقاتی، عقلانیت سیاسی و مذهبی، مصرف رسانه‌ای (روزنامه)، تلاش برای کاهش فاصله طبقاتی و همچنین جلوه متفاوت ارتش نوین در این دوره قابل مشاهده است.

دوره اصلاحات که بیش از همه با توسعه فرهنگی و روابط بین‌المللی همراه است، در رمان شاخص این دهه تا حدودی به چشم می‌خورد. اگرچه موضوع

رمان، مربوط به دهه ۴۰ و تلاش زنان برای احقاق حق خود است؛ اما چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم با درون‌مایه اصلی مهاجرت و جنبش‌های اجتماعی برای حق رأی زن، جامعه‌ای امروزی را به تصویر می‌کشد که زنان در آن آزاد و تحصیل‌کرده هستند و آرزوی سفر به اروپا را دارند. زویا پیرزاد با طرح مفاهیمی مانند زن مدرن و فرهنگی، تفاوت طبقاتی کارمندان شرکت نفت با افراد عادی، مصرف رسانه‌ای به‌خصوص روزنامه و تلویزیون، نوسازی و مدرنیزاسیون نامتوازن در درون شهری مانند آبادان، اجتماعی را به تصویر می‌کشد که دیگر دغدغه آنان مانند دهه‌های قبل ملی نیست؛ بلکه شخصی و فردگرایانه است.

سیر روایت مدرنیزاسیون در رمان‌های قبل از بهمن ۵۷ و بعد از آن چگونه بوده است؟

این سیر در رمان‌های مورد نظر به‌نحوی برجسته قابل مشاهده است. انقلاب ۵۷ سرآغاز دورانی مملو از ویرانی، آشفتگی و سازندگی در تاریخ ایران نوین است. رمان‌های قبل از انقلاب ۵۷ روایت‌کننده مسائل سیاسی و اجتماعی، نظام پادشاهی و همچنین دوره قبل از آن؛ یعنی نظام فئودالی و اشرافی ایران است. شروع نوسازی در دوره رضاخان، اصلاحات ارضی و انقلاب سفید در دوره محمدرضاشاه که خود، آن را گامی به‌سوی تغییر نظام فئودالیت ایران و حرکت به‌سمت کشاورزی آزاد و صنعتی شدن نامیده بود، علاوه بر نتایج مثبتی که به همراه داشته‌اند، آشفتگی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی زیادی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را برای چندین دهه به ارمغان آورده‌اند. ترسیم روشن و قوی این فضاهای آشفته که اصولاً در نتیجه برنامه‌های نوسازی دولت‌ها به وقوع پیوسته است، مانند نتایج نوسازی ارتش و یا نتایج منفی اصلاحات ارضی؛ یعنی بیکاری گسترده‌تر در روستاها، افزایش فقر و مهاجرت نیروی کار به‌سوی شهرها که این امر خود نیز موجب بروز عوامل دیگری چون حاشیه‌نشینی، بی‌هویتی و اختلالات روان‌شناختی افراد شد، از درون‌مایه‌های اصلی رمان‌های قبل از انقلاب است. رمان‌های بعد از انقلاب مضامین جدی و قابل بحثی برای موضوعات خود دارند: انقلاب ۵۷، جنگ تحمیلی، دوران سازندگی و اصلاحات. انقلاب و ظهور تفکرات جدید مذهبی، پوشش نوین زنان و تغییر دولت؛ جنگ و ویرانی، شهادت، سوءاستفاده خیلی از دولتمردان به‌ظاهر حامی مردم از اوضاع نابسامان و نوسازی مقطعی و منطقه‌ای، محدودیت‌های زنان؛ سازندگی و تلاش برای آبادانی ویرانه‌های به‌جامانده از انقلاب و جنگ، طرح برنامه‌های نوسازی مانند توسعه سیاسی، اقتصادی، ملی و فراملی و همچنین نتایج تغییرات سیاسی بعد از دو دهه آشفتگی انقلابی و جنگی و درنهایت توسعه فرهنگی در حوزه‌های مختلف مانند جایگاه زن، از درون‌مایه‌های اصلی رمان‌های بعد از انقلاب

است.

در این رمان‌ها، ما شاهد تغییرات جالب توجهی در برخی از مفاهیم مدرنیزاسیون مانند مصرف رسانه‌ای هستیم. در رمان‌های دههٔ چهل و پنجاه مصرف رسانه‌ای، رهبران افکار عمومی و... متعلق به طبقه و افراد خاصی است؛ اما بعد از آن مصرف رسانه‌ای تغییر کرده و با رشد همراه است. استفاده از روزنامه در تمام دهه‌های بعد از انقلاب همچنان در صدر است. در دههٔ شصت که اوج جنگ است، علاوه بر استفادهٔ مکرر از رادیو و گاه تلویزیون، در تمام رمان از روزنامهٔ خاص کیهان نام برده می‌شود که شخصیت اصلی برای آگاهی از وقایع روز به آن مراجعه می‌کند. دههٔ هفتاد تنها روزنامه است که به‌عنوان منبع خبررسانی از آن یاد می‌شود و به‌کرات از استفادهٔ نادرست آن به‌عنوان فرس، تمیزکنندهٔ شیشه و یا دست‌مایهٔ افراد بدون تفکر انتقاد می‌شود. در رمان دههٔ هشتاد علاوه بر روزنامه، به سینما به‌عنوان رسانه‌ای که جزء برنامه‌های همیشگی شخصیت‌های اصلی و حتی کودکان است، ارزش خاصی داده می‌شود.

آیا رمان در ایران به مفاهیم توسعه و مدرنیزاسیون می‌پردازد؟

با توجه به گستردگی مفهوم مدرنیزاسیون، رمان‌های شاخص هر دوره بیشتر با تأکید بر یک بعد خاص به چند بعد دیگر آن نیز پرداخته‌اند. توسعهٔ سیاسی، نقد سیاسی و نقد دولتمردان، عقلانیت سیاسی-اجتماعی، مذهب، مهاجرت، شکاف طبقاتی و زنان مفاهیمی هستند که در تمام این رمان‌ها وجود دارد؛ اما به‌طور خاص، *شازده/حتجاج* با نقد نظام پیشین، کشتارها، ظلم اربابان به تودهٔ مردم، زنان و کودکان و همچنین نقد ارتش نوین رضاخانی و کشتارهای دسته‌جمعی با استفاده از ماشین‌های جدید جنگی که نتیجهٔ نوسازی ارتش است، به انعکاس بعد مسائل سیاسی و اجتماعی مدرنیزاسیون پرداخته و با بهره‌گیری از حضور زنی باسواد از طبقهٔ اشراف؛ یعنی فخرالنساء، به دیدگاه‌های متفاوت نسبت به زن روستایی از طبقهٔ عوام و اشرافیت اشاره می‌کند. جای خالی سلوچ به صنعتی شدن، مکانیزه کردن کشاورزی، بهره‌گیری از نیروی آب و مهاجرت روستاییان به شهر می‌پردازد. نقد جنگ، دولتمردان، پوشش نوین زنان با عنوان حجاب اسلامی و ظاهر جدید مردان انقلابی و سرسپردهٔ جمهوری اسلامی، از جمله مفاهیم مهم مدرنیزاسیون در دههٔ ۶۰ است که در زمستان ۶۲ علاوه بر درون‌مایهٔ اصلی آن که حول نوسازی و تجهیز سیستم آموزشی مرکز علوم کامپیوتری در آبادان می‌چرخد، بازتاب داده می‌شود. *خانهٔ ادریسی*‌ها نیز با درون‌مایهٔ اصلی دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی و مسائل پیرامون آن که نتیجهٔ یک انقلاب و روی کار آمدن دولت جدید است، تفاوت اشرافیت و تودهٔ مردم، سازندگی و همچنین رؤیای مکانیزه کردن کشاورزی را به‌گونه‌ای نمادین

و جذاب مطرح می‌کند و به ارتقای دانش سیاسی فرد نیز یاری می‌رساند. اگرچه رمان دهه هشتاد نسبت به بقیه رمان‌ها در مورد پرداختن به مدرنیزاسیون ضعیف‌تر عمل کرده است؛ اما موضوع مهاجرت به ایران، آبادان و یا خارج از کشور، آزادی زن، آغاز جنبش‌های اجتماعی- سیاسی برای گرفتن حق رأی و زن مدرن را به تصویر کشیده است.

آیا رمان‌ها متناسب با شرایط اجتماعی به مفاهیم توسعه می‌پردازند؟

رمان شاخص بازتاب‌دهنده شرایط اجتماعی دوران خاصی از تاریخ است؛ دورانی که به قول لوکاچ، نویسنده یا خود نظاره‌گر آن بوده و یا در دل ماجراهای آن جامعه زیسته است (۲۲: ۱۳۸۷). لمس تغییرات همه‌جانبه یک جامعه که گاه جلوه‌گری بُعدی از آن بیشتر از دیگر ابعاد است، برای چندین دهه قابل روایت است. همان‌گونه که نویسنده گاه روایت خود را در دوران تاریخی گذشته نقل می‌کند (مانند *سازده/احتجاب*)؛ اما باز هم موضوع آن با شرایط اجتماعی آن روزگاران همخوان است. در جای خالی سلوچ با نتایج اصلاحات ارضی که دهه قبل از آن به اجرا درآمد، مواجه هستیم؛ زمستان ۶۲ در دل جریان جنگی نوشته شده که خود نویسنده شاهد آن بوده است؛ *خانه ادریسی‌ها* نیز در دهه سازندگی نوشته می‌شود، دهه‌ای که پس از انقلاب و جنگ شاهد تغییرات منفی و مثبت زیادی در سطح ملی و فردی است؛ چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، اگرچه در دهه هشتاد نوشته شده و روایتی در دهه چهل را نقل می‌کند؛ اما داستان روایت‌شده همخوانی زیادی با شرایط جامعه آن روز ندارد؛ بلکه بیشتر با شرایط امروز جامعه مطابق است.

این مقاله از حمایت مالی هیچ نهاد یا مرکز آموزشی و یا طرح پژوهشی مصوب استفاده نکرده است.

منابع

- بامفیلد، بریان (۱۳۸۱). *آیا کتاب مهم است؟ ترجمه میترا میرشکار سیاهکل*. با مشارکت و حمایت مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران: کویر.
- یرمن، مارشال (۱۳۸۶). *تجربه مدرنیته (هرآنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود)*. ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۲). «تمدن و تجدد (گفت‌وگو)». کتاب ماه علوم اجتماعی. دوره شست و هفتم، شماره ۷-۸، صص. ۱-۸۳.
- پارسانسب، محمد (۱۳۸۹). *رمان تاریخی فارسی (نقد، نظریه، تاریخچه)*. تهران: چشمه.
- پاینده، حسین (۱۳۸۸). «رمان رئالیستی یا سند اجتماعی؟ نگاهی به مدیر مدرسه آل‌احمد». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. دوره اول، شماره ۲، صص. ۶۹-۹۸.
- پرینس، جراللد (۱۳۹۱). *روایت‌شناسی: شکل و کارکرد روایت*. ترجمه محمد شهبان. تهران: مینوی خرد.
- پیرزاد، زویا (۱۳۹۵). *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم*. چاپ شصت و ششم. تهران: مرکز.
- تامپسون، ب. جان (۱۳۸۰). *رسانه‌ها و مدرنیته: نظریه اجتماعی رسانه‌ها*. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: سروش.
- حری، ابوالفضل (۱۳۹۲). *روایت‌شناسی: راهنمای درک و تحلیل ادبیات داستانی (مجموعه پانزده جستار)*. تهران: لقاءالنور.
- خانیک، هادی (۱۳۸۴). «بنیان‌های مطالعات ارتباطات و توسعه ملی در ایران». *علوم اجتماعی*. دوره دوازدهم، شماره ۲۸-۲۹، صص. ۷-۵۶.
- خانیک، هادی (۱۳۹۳). «اندیشه پیشرفت و الگوی ارتباطات و توسعه ملی در ایران». *سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت*. تهران: مرکز الگوی اسلام پیشرفت.
- دست‌غیب، عبدالعلی (۱۳۸۶). *از دریچه نقد (گفتارها و جستارهای انتقادی ادبی)*. جلد اول. به کوشش علیرضا قوجه‌زاده. تهران: خانه کتاب.
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۸۵). *جای خالی سلوچ*. چاپ ششم. تهران: چشمه.
- عاملی‌رضایی، مریم (۱۳۹۱). «تحلیل تقابل سنت و مدرنیته در رمان اجتماعی پس از انقلاب اسلامی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۲۵، صص. ۱۶۱-۱۳۳.
- علیزاده، غزاله (۱۳۹۴). *خانه ادیسی‌ها*. چاپ ششم. تهران: توس.
- فصیح، اسماعیل (۱۳۹۴). *زمستان ۶۲*. چاپ هشتم. تهران: ذهن‌آویز.

گلشیری، هوشنگ (۱۳۵۰). *شازده/حتجاب*. چاپ دوم. تهران: زمان.
لرنر، دانیل (۱۳۸۳). *گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه*. ترجمه غلامرضا
خواجهمسروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
لوکاچ، جورج (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی رمان*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: ماهی.
موثقی، احمد (۱۳۹۱). *نوسازی و توسعه سیاسی*. تهران: میزان.
هادیلو، علی (۱۳۹۰). «گونه‌شناسی رمان‌های تأثیرگذار بعد از کودتای ۲۸ مرداد». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی.
هلپرین، جان (۱۳۸۶). *نظریه‌های رمان*. ترجمه حسین پاینده. تهران: نیلوفر.

Frow, J., Hardie, M., & Rich, K. (2019). "The Novel and Media: Three Essays." *Journal of Language, Literature and Culture*, 66(1), pp. 1–15. doi:10.1080/20512856.2019.159549

Reflection of the Main Concepts of Development in the Alternative Media, the Narrative of a Half a Century of Modernization in Preminent Persian Novels (1960-2001)

Hadi Khaniki¹, Azadeh Khadem Khervi², Masoud Taghiabadi³

Abstract

The study of the narrative of modernization in preminent Persian novels is an interdisciplinary research linking communication sciences and fiction. In this research, a preminent novel has been considered as an alternative medium which can display the current conditions of society in any period by recounting certain narratives. What is investigated in this study is the reflection of the modernization discourse as observed in the preminent novels of the five decades (1960-2001). More specifically, this research seeks to demonstrate the functions of the novel as a medium in reflecting the concepts of modernization. To do so, the greatest novels of the five decades were selected through “Reputational Case sampling” and a survey conducted among experts, critics, writers, and literary journalists. As its methodology, the research draws on Narrative analysis, and specifically, on Gerald Prince’s structuralist narratology. Based on the results of the study, modernization, which according to development theories, can be studied in a wide range of political, cultural, social, economic, and even psychological contexts, is observable in the narrated events of the selected novels. The narratives of these novels are in line with the current conditions of each period. Moreover, concepts such as, political development, political criticism and critique of politicians, socio-political rationality, religion, immigration, class divide, and women are present in all these novels.

Keywords: Development, Modernization, Alternative Media, Narrative Analysis, Gerald Prince

1. Professor, Department of Communication Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
hadi.khaniki@gmail.com
2. Graduate Student of Communication Sciences, Department of Communication Sciences Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
azadekhadem@yahoo.com
3. Ph.D in Communication Science, Department of Communication Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (corresponding author)
masoud.taghiabadi@gmail.com

How to cite this article:

Hadi Khaniki; Azadeh khadem khervi; Masoud Taghiabadi. “Reflection of the Main Concepts of Development in the Alternative Media, the Narrative of a Half a Century of Modernization in Preminent Persian Novels (1960-2001).” *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, Journal of the University of Birjand, 3: 1, 2023, 49-76. doi: 10.22077/islah.2023.5916.1195



